

«شیطان» در کلام شیخ رجبعلی خیاط و آیت‌الله دستغیب

۹ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۴۹

مرحوم شیخ رجبعلی خیاط می‌گفت: کسی که برای خدا قیام کند نفس با هفتاد و پنج لشکر و شیطان با جنود خود برای از بین بردنش قیام می‌کنند ولی «جندالله هم الغالبون»!

یکی از مواردی که در روایات اسلامی درباره ماه مبارک رمضان مطرح می‌شود این است که با شروع ماه مبارک رمضان، خداوند متعال دست و پای شیطان را با غل و زنجیر می‌بندد و در واقع شیطان نمی‌تواند در این ماه عظیم، انسان‌ها را فریب داده و یا گمراهشان کند.

از این رو بر آن شدیم تا مطلبی را در این خصوص از شیخ رجبعلی خیاط و آیت‌الله دستغیب با محوریت موضوع «شیطان» برای علاقه‌مندان نقل کنیم:

شیخ رجبعلی خیاط

کسی که برای خدا قیام کند نفس با هفتاد و پنج لشکر و شیطان با جنود خود برای از بین بردنش قیام می‌کنند ولی «جندالله هم الغالبون»؛ عقل هم دارای هفتاد و پنج لشکر است و نخواهد گذاشت بنده مخلص، مغلوب شود: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»؛ اگر علاقه به غیر خدا نداشته باشی، نفس و شیطان زورشان به تو نمی‌رسد، بلکه مغلوب تو می‌شوند.

آیت‌الله شهید دستغیب

از جمله چیزهایی که در قرآن مجید و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام عنایت زیادی به آن شده موضوع استعاذه است یعنی پناهنده شدن به خداوند از شر شیطان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و البته باید حال استعاذه یعنی پناه بردن به حق پیدا شود تا استعاذه حقیقی باشد.

دیدهای بچه توپ را به هر طرف و هر جور بخواهد می‌اندازد در حال خشم هم شیطان این طور بر بشر مسلط می‌شود که او را به هر حالی وا دارد چه بسا در آن حال از او کفر سر می‌زند مگر کسی که خدا او را نگه دارد.

اگر مخبر صادق به تو خبر داد که امشب یک عده دزد مسلح در کمین هستند که به خانهات بریزند و اموالت را ببرند، خود و عائلهات را بکشند، اگر شخص عاقلی باشی می‌روی یاورانی پیدا می‌کنی، درها را محکم می‌بندی، راه‌هایی را که از آن ممکن است بیایند سد می‌کنی سنگربندی می‌نمایی.

اگر عقل نداشته باشی می‌پرسی این دزدها اهل کجایند؟ لباس‌شان چگونه است؟ چه شکلی هستند، پیرند یا جوان؟ تا از این موضوعات سر در بیاوری وقت گذشته است و آنها کار خودشان را کرده‌اند.

آنچه بر تو لازم است راه فرار از شیطان است. حالا کیفیت خلقتش را بدانی، بفهمی چگونه وسوسه می‌کند یا نفهمی از راز آفرینش او سر درآوردی یا سر در نیاوری به این چیزها چه کار داری؟ کار اصلی تو باید همان باشد.

پس از اینکه مخبر صادق خبر داد که دشمن سرسخت ابلیس در کمین است راه نجات را از دست مده و وقت را تلف نکن.

شیطان حسود است چون خودش رانده شده این درگاه است نمی‌تواند ببیند بشر به مقام قرب می‌رسد. بشری که این ملعون به نظر حقارت به او می‌نگریست و می‌گفت «مرا از آتش آفریدی و او را از خاک» و آتش از خاک برتر است آنگاه همان بشر به مقاماتی برسد که آن بدبخت را از آن طرد کردند و گفتند «از بهشت بیرون شو تو از کوچکان و پست‌شوندگانی، حق نداری اینجا بزرگی به خرج دهی...»

بشر می‌خواهد از طریق بندگی به مقام قرب برسد لذا شیطان با تمام قوا سعی می‌کند او را از راه باز دارد تا حس حسادتش را تسکین بخشد و به همه چیز هم قانع است اگر توانست کفر و شرک نتوانست حرام و مکروه تا برسد به کمی درجه و مقام.

مثالی عرض کردم که ابلیس به منزله سگ درنده‌ای است که هر کس بخواهد به خیمه سلطنتی درآید، نمی‌گذارد این به منزله پاسبان است جز آشنایان «عباد مخلصین». کسی از دست او در نخواهد رفت ناچار برای ورود به خیمه (و بارگاه قرب) باید به صاحب خیمه استغاثه کرد و پناه برد زیرا تنها نهیب قهر صاحب خیمه است که این سگ درنده را رام می‌کند و جز این چاره‌ای نیست. پس باید به خدا پناهنده شد تا عنایت حق او را دفع کند این است که خداوند در قرآن مجید به پیغمبرش دستور می‌دهد که «بگو پروردگارا به تو پناه می‌برم از وساوس شیطان‌ها و پروردگارا به تو پناه می‌برم که در آیند مرا.»

خودت به تنهایی نمی‌توانی مگر لطف خدا یار شود «یا غیاث المستغثین یا ملاذلال‌الذین» اگر لود و پناهندگی به حق نباشد از شر شیطان کسی در امان نیست.

از یکی از علما پرسیدند آیا اخبار وارده درباره شیطان، رسیده است که مثل بشر و حیوان خواب دارد یا نه؟ تبسمی کرد و جواب

لطیفی داد گفت: اگر شیطان خواب داشت که ما قدری راحت بودیم.

تو خواب هستی و او بیدار، او خوابی ندارد، بلکه همیشه نگران تو است.

«به درستی که او شما را می‌بیند از جایی که شما او را نمی‌بینید» بلی تا نفس آخر رهایت نمی‌کند.

پس باید چه کرد؟ حالا که دشمن قوی و هشیار و در کمین است تکلیف چیست؟

تکلیف این است که باید مسلح شد، بلکه همیشه باید مسلح بود، دشمنی که مهیا و منتظر غافلگیر کردن تو است تو هم باید هیچ وقت اسلحه را زمین نگذاری اگر یک لحظه اسلحه را کنار گذاشتی یا لحظه‌ای رو به او رفتی کارت خراب است. «تقوا» اسلحه انسان است، آماده‌باش در برابر ابلیس.

گویند در زمان سابق که هنوز در خانه‌ها شمع و پیه می‌سوخت، شبی در خانه‌ای دزدی راه پیدا کرد و داخل حجره شده سرگرم جمع‌آوری چیزها شد.

صاحبخانه صدای پا شنید، احتمال داد دزد در خانه باشد، از جا بلند شد و خواست شمع را روشن کند دزد تا فهمید صاحبخانه بلند شده پشت سرش ایستاد تا چراغ یا شمع را خواست روشن کند آهسته فوتی کرد و آن را خاموش کرد.

مرتب‌ه دوم که خواست چراغ را روشن کند آهسته دستش را به آب دهان تر کرد و به فتیله زد که اصلاً نگیرد.

صاحبخانه نادان نفهمید که کسی هست که این کارها را می‌کند، به خیال خودش نسیمی بود که نگذاشته چراغ روشن شود، بالاخره چون دید چراغ روشن نمی‌شود و دیگر صدای پا هم نمی‌آید آرام خوابید، و دزد هم به خوبی کار خودش را کرد و رفت.

یقین بدانید در عالم معنی هم همین است، اگر شیطان در دل جا کرد کجا می‌گذارد کسی متذکر شود، تذکر مال اهل تقواست، اگر تقوا نباشد هزار تذکر هم پیش بیاید بینا نمی‌شود.

نمی‌بینید در جدال‌ها و منازعه‌ها هنگام غضب صد تذکر هم پیش بیاید نمی‌فهمد در دام شیطان است، در دلش جا کرده است، هر چه در آن حال برایش اسم خدا و پیغمبر و امام را بیاورند فایده ندارد زیرا شیطان نمی‌گذارد یاد خدا او را متذکر کند چون تقوا ندارد

<https://www.cafetari.kh.com/news/27409/> دستغيب-الله-آيت-خياط-رجعلي-شيخ-كلام-شيطاز/9